



دستاوردهای انقلاب اسلامی



حجة الاسلام و المسلمین
موسوی خوئینی ها

یازدهم : افشا و حذف بسیاری از جریانهای انحرافی و وابسته

دیگری افشا و حذف گردیدند تا معلوم شود که آیا پاکسازی جامعه و حرکت سیاسی آن از اینگونه جریانهای آلوده و ناسالم جز با توان و صلابت انقلاب اسلامی و هشیاری رهبری آن امکان پذیر بوده است؟

مقدمتا توضیح یک نکته، مفید بنظر می رسد و آن اینکه بطور طبیعی هر جامعه ای که طاغوت بر آن مسلط باشد همچنانکه زمینه رشد هرگونه ریشه فساد اخلاقی، اقتصادی فرهنگی و ... در آن جامعه آماده میشود همچنان زمینه رشد جریانهای سیاسی فاسد نیز آماده می شود، جریانهای فاسدی که خود در مرحله و یا مراحل در حال مبارزه و جنگ با نظام سیاسی فاسد و حاکم است، علت پیدایش این جریانهای سیاسی فاسد

در پنجمین بهار پهنروزی انقلاب اسلامی آخرین جریان منحرف و وابسته به بیگانه که افشا و حذف شد، شعبه ایرانی سازمان اطلاعاتی و جاسوسی "کا.گ.ب" بود موسوم به حزب توده ایران و به تعبیر بهتر حزب جاسوسان شوروی در ایران. که هم داستان غم انگیز احزاب کمونیست جهان بود و هم بیان سرانجام هر گروه و تشکیلاتی سیاسی که منکی بر اعتقادات و باورهای مردم نیست مردمی که در میان و کنار آنان می خواهد مبارزه و تلاش سیاسی داشته باشد پیش از آنکه ابعاد مختلف این حادثه و آثار سیاسی و انعکاس جهانی آنرا بررسی و تحلیل کنیم، بر میگردیم به دیگر جریانهای که در طول چند سال گذشته یکی پس از

گاهی حوادثی رخ می دهد که نظم از پیش تعیین شده بسیاری از امور را برهم می زند و نظمی را ایجاد می کند که در پرتو جاذبه و زیبایی خود دیدن مطلوبیت میبخشد حادثه دستگیری اکثریت قاطع اعضای کادر مرکزی حزب توده و کشف واقفای این جریان آلوده و رسوا، از اینگونه حوادث است که نظم از پیش ارائه شده، بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی - که موضوع این سلسله مقالات است - را بهم زد و دستاوردهای دردیف هفتدرا به اینجا کشانید، یعنی به ردیف یازده و تصور می کنم که این جابجایی، مطلوب باشد.

عمدنا به یکی از دو دلیل میتواند باشد : یکی اینکه چون آهنگ عمومی جامعه در حاکمیت نظام طاغوتی ، قدرت طلبی ، شهوتپرستی و گرایش به فریب و نیرنگ‌وریا و نفاق و دیگر خصلتهای ضدالهی است ، پس بطور طبیعی افراد و دستجات دیگری هم پیدا می‌شوند که در تنازع قدرت و دستیابی به جاه و مقام و شهوات در شکل یک حرکت سیاسی ، به جنگ با قدرت مطلق و حاکم برمی‌خیزند که خود سفره اینگونه تمتعات آلوده و فاسد را در جامعه گسترده است .

بپردازیم ، به نکته فوق الذکر قطعاً باید توجه خاص داشته باشیم زیرا هنگامیکه یکی از این حرکتها و جریانهای سیاسی بر رقیب پیروز می‌شود بعلمت ناخالصیهای درون خود نمی‌تواند سایر جریانهای فاسد را شناسائی و کشف و سپس دفع و حذف نماید . کودتا های بی در پی عراق را پس از سقوط حکومت فاسد سلطنتی آن ملاحظه کنید که البته آن تنها یکی از اشکال شکست این حرکت های سیاسی پس از پیروزی آنهاست و اشکال دیگری نیز دارد که معلول کودتا های خزنده

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران :
اولا - برخورد انقلاب را با دو جریان سیاسی مسلط بر جهان ، جریان غرب و آمریکا و جریان شرق بررسی می‌کنیم . اما در افشای ماهیت غرب و آمریکا صلابت و قدرت انقلاب و رهبری آن در این عرصه با اندازه‌های وسیع و عمیق و برای توده‌های مستضعف در سراسر جهان آگاهی بخش و برای سیاستگران غربی و مخصوصاً شیطان بزرگ رسواگر و شکننده است که در هیچ بیانی همعابعد آن نمی‌گنجد چنانچه تازمانه افشاگرانه ، نام شیطان بزرگ بر آمریکا نهادن است که در فرهنگ همه محرومان عالم بهانگر تمامی پلیدیها است که در یک موجود متراکم شده باشد که آمریکا چنین است .

بالرزه‌های که انقلاب اسلامی ایران بر کاخهای غربی و آمریکائی افکند طشت رسوائی حقوق بشر آنان از پشت بام به زمین افتاد ، تلفن آقای کارتر طرفدار حقوق بشر را (که بعضی از جریانهای فاسد خودمان !!! نیز باور کرده بودند) به شاه ، بعد از فاجعه هفده شهریور و با جمعه سیاه مبنی بر حمایت و پشتیبانی از آن بخت برگشته شنیده‌اید و فراموشتان هم نشده است و اعتراض ماموران را در ایران به اعدام هوسداو الغائبان و امثالهما و تو دهنی نزدن حضرات خودمان !!! را که با نزاکت ، فرمایشات آن ماموران را استماع فرموده بودند ، و بر ملا شدن بسیاری از پنهانیها در حادثه عظیم و کوبنده تصرف لانه جاسوسی کاسم سفارت را بدک می‌کشید که آقای کارتر را بگریسه انداخت ، و این روزها پس از دستگیری اعضای حزب توده برای زدودن بعضی از آثار آن ، بوقهای آمریکائی و غربی با شایعه - پراکنی سعی می‌کنند آن حماسه تاریخی و با به تعبیر حضرت امام مدظله ، انقلاب دوم را زیر سؤال بکشند و به بیگانه منتسب کنند که البته میزان حماقت دشمنان اسلام و انقلاب را نیز می‌رساند .

افشای ماهیت جریان سیاسی فاسد آمریکا در ماجرای حمله به طیس به اندازه‌های رسوا

است که نمونه‌های فراوان دارد . فشرده مضمون این سخن آنستکه : هر حرکت سیاسی و یا هر انقلابی بمیزان صلابت و استحکام محتوای خود و به تناسب قدرت ارگان و قواعد فکری وریشه داشتن در اعماق وجود و اتکا به توده‌ها و بمیزان تخریب بشیانه‌های ظلم و تجاوز و فسق و فساد و فجور در همه زمینه‌ها قادر به کشف و افشا و حذف جریانهای ناسالم و بجا مانده از نظام فاسد گذشته است و در حد آلوده بودن خود به انگیزه‌های پرداخته شده بدست نظام فاسد پیشین ، از جستجوی جریانهای فاسد ناتوان خواهد بود که سرانجام با بدست آنها خود حذف می‌شود و با جذب آنها بسوی خود هویت واحدی را با آنها تشکیل می‌دهد .

اکنون پس از توضیح این نکته ، بر میگردیم به نگاهی گذرا به حوادث چند ساله پس از

جانانه ترین تازیانه افشاگرانه نام «شیطان بزرگ» بر آمریکا نهادن است که در فرهنگ همه محرومان عالم بیانگر تمامی پلیدیها است

درست است که این به جنگ بر خاستگان با طاغوت مبارزه می‌کنند ولی نه با طغیان او بلکه با حرمان و بی بهره‌گی خود از این خون یغما و اما دلیل دیگر اینکه در نظام طاغوتی چون حاکمیت از آن جهل و بی خبری از حقایق و واقعیتها است لذا بسیاری از افراد و دستجاتی که به انگیزه سالم انسانی - الهی به مبارزه با طاغوت برمی‌خیزند چون نمی‌توانند معیارهای حق را بخوبی تشخیص دهند و در آشفته بازار دغلبازان سیاسی و مدعیان رهبری نمی‌توانند رهبر حق را از باطل باز شناسند لذا در قدم اول و با چندمین قدم ، سرانجام باز بدام باطل و منادیان آن می‌غلطند و بر سر آنان همان خواهد آمد که بر سر دسته اول . اگر به تحلیل علت یا علل شکست بسیاری از حرکتهای سیاسی و یا انقلابی پس از پیروزی آنها بر نظام و قدرت حاکم بخواهیم

کننده بود که حتی اقمار غربی آن یعنی اعضا بازار مشترک اروپا نیز به قبل و قال با ازباب برخاستند. بلوکه کردن بولهای ایران بدینا نشان داد که آمریکا رسامانند یک سارق مسلح در روز روشن به حریسم و حقوق ملت‌های مظلوم تجاوز می‌کند. تحریک صدام به جنگ با ایران که با همه طرفندا نتوانست مخفی کند و سرانجام صدام ضد آمریکا معرفی و تبلیغ شده را در حریسم به اصطلاح امن سیاسی و نظامی و اقتصادی خود جاداد (۱) و دهها موارد دیگر از این نمونهها که انقلاب اسلامی ورهبری آن بهافشای ماهیت غرب و آمریکا برداختاست و امام قوی و قدرتمند در یک جمله کوتاه "آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند" که براحتی گفتن کلمه "لعنت بر شیطان" ادا کردند، ماهیت بی‌هویت این طمس توخالی را افشا کردند و دنیا دید که آمریکا غلطکارانقدرها هم دستش در غلطکاری باز نیست و نهایت غلطی که کرد و می‌کند آنهم با توافق رفیق لنین زاده تحریک صدام بحمله به ایران بود که نتیجه اش تجلی ارزشهای متعالی ملت رشید ایران و سلحشوران اسلام شد.

و اما انقلاب و افشگری آن در رابطه با شوروی و همبالمکبهاش، همین بس که نشان داد این موجودی که در برابر آمریکا سیمای شیراز خود نشان میداد و میدهد در حقیقت شیر نیست بلکه من رمضان است که در پوست شیر رفته است !!!

این آقای ضد امپریالیست بمحض اینکه دید انقلاب اسلامی ایران با نواختن یک سیلی محکم، آمریکا را با سرگیجه از این کشور بیرون کرد و حداقل در کل منطقه قدرت آمریکا را به زیر سؤال کشید، بجای دست مریزاد به این ملت مظلوم و امت دلاور و ضد آمریکا، با تانک و توپ و هواپیما و قزاق بر سر برادران افغانی ما هجوم برد تا نشان بدهد که معنی مبارزه با آمریکا چیست و تا با قتل عام ملت ستمکشیده افغانستان، ضد امپریالیستی و خلقی بودن

دست‌نشانده افغانستان را بر ملا سازد. شوروی در رابطه با انقلاب اسلامی ایران از سال چهل و دو تا امروز مطالبی گفته است که اگر آن مطالب یکجا جمع آوری شود بهترین دلیل بر رد نظریه تاریخی !!! جناب مارکس و افشا در باره تاریخ و حرکت آن و بهترین شیوه تحلیل بردن اصول دیاکتیکش خواهد بود. زمانی انقلاب اسلامی ایران را حرکت ارتجاعی تحلیل کردو با نغمه شوم "ارتجاع سیاه" شاه همنا شد، زمانی دیگر یک شورش کور نامید و بعد یک حرکت ضد آمریکا تشخیص داد و بعد تشخیص نداد !!! و بالاخره هم معلوم نکرد که انقلاب ایران در اثر تضاد نیروهای تولید و عوامل تولید بوده است یا نه، و پس از پیروزی انقلاب گفت با داباد برای اینکه در تحلیلان شک نکنیم و با شگمان را آشکار نکنیم و یا بهر حال برای اینکه زیر بار حق نرویم باید هر چه واقعیت در ایران هست همه را انکار

آمریکا اصرار دارد که حکومت غاصب اسرائیل بماند. شوروی هم مانند آمریکا نمی‌خواهد که فلسطینیان در فلسطین حکومت تشکیل دهند و سرنوشت خود را بدست گیرند. پس در عرصه سیاسی جهان در فکر و اندیشه مستضعفان در زیر انوار خیره کننده انقلاب اسلامی ایران ماهیت هر دو جریان سیاسی مسلط بر جهان افشا گردیده است و بخواست خدایتعالی حذف نیز خواهد شد.

و اما در عرصه داخلی، از چپترین تا راستگراترین جریانات یکی پس از دیگری افشا و نابود شدند و یا در حال مردنند. شاید هنوز کسانی باشند که بگویند و باسنا خود ببندیشند که چرا با اذن امام فلان و بهمان که وابسته به یک جریان خود باخته در برابر غرب و وحشزده از قدرت آمریکا است به قدرت رسیدند که از ترس سقوط در چاه و بل شوروی خود را به طناب آمریکا

در نظر ما جاسوس خائن است، خواه آمریکائی و خواه روسی. بنام دیپلمات جاسوسی کردن ممنوع است، خواه در لانه جاسوسی آمریکا و خواه در ساختمان موسوم به سفارت شوروی

حلق آویز می‌کردند، ولی این افراد نیز باید به این نکته ببندیشند که این جریان بهر حال وجود داشت، هر چند که وجود تلخی داشت و می‌بایست حذف شود ولی آیا بدون افشا ماهیت آن ممکن بود؟ آیا بدون اینکه همه مردم واقعبیت این جریان را بشناسند، حذف آن قابل فهم و درک برای آنان بود؟ آیا این جریان بدون اینکه وجاهت کاذب بدست آمده در پرتومبارزه با شاه را از دست بدهد، امکان حذف داشت؟

کنیم !!! و این است ماهیت یک رژیم مبتنی بر حرکت و سیر بر خلاف فطرت و سرشت انسان. و این ماهیت را انقلاب اسلامی ایران بر ملا و افشا کرد. ماهیت رژیم درندهای که موشک نه متری به صدام صهیونیست آمریکائی میدهد که خانه های مردمی را بر سرشان خراب کند و مردمی را بخاک و خون بکشد که تاریخ انقلابشان با دشمنی با اسرائیل و آمریکا نوشته شده است انقلاب ایران افشا کرد که شوروی هم مانند

اگر آن آقا، نخست وزیر و یا آن دیگری وزیر فلان نبود هرگز توفیق ملاقات با برژنفسکی دست میداد؟ و مگر این ملاقات پربرکت گار چند صد جلد کتاب و مقاله و تحلیل را انجام نداد؟ استعفا از انجام وظیفه و تکلیف الهی که از جانب امام امت بر عهده کسی یا کسانی گذاشته میشود آنهم بخاطر اینکه یکمشت جاسوس در داخل لانه شان دستگیر شده اند آیا افشاگر نبود؟ اگر بود بخاطر و بدنبال آن بقدرت رسیدنی بود که با اذن امام انجام شده بود.

البته من در صدد این نیستم که ابعاد آن حرکت بسیار صحیح و خداخواسته امام را در ارتباط با بقدرت رسانیدن این جریان تحلیل کنم که آن خود بسیار گسترده و عمیق است، نه، فقط در پی آن بودم که این حادثه را در رابطه با افشاکاری انقلاب - بطور اختصار - توضیح بدهم. افشا و حذف جریانی که در رأس آن یک ملای نگونبخت نشسته بود (که خداوند این انقلاب و امت و امام را از شرش محفوظ فرماید) از حوادثی بود که فقط در توان این انقلاب و رهبری آن بود، قدرت این افشاکاری بحدی بود که یک شبه یک عنصر تکیه زده بر مسند افتاد و مرجعیت را ناگزیر از اعتراف به گناه و توبه و استغفار می کند. افشاکاری انقلاب در مورد ماهیت شرکت سهامی ضد انقلاب که مدیر عاملش بنی - صدر بود و دریدن ماسک نفاق از چهره

بر مدعائین جریان سیاسی فاسد بنام مجاهدین خلق، جارو کردن جبهه ملی، انشعاب در درون سازمان چریکهای فدائی... از وحشت بر باد رفتن همه دستاوردهای چندین ساله در برابر حقانیت انقلاب و نابودی اقلیت و در بدری اکثریت و در این اواخر افتاد ماهیت حزب توده یا حزب جاسوسان شوروی همه و همه از دستاوردهای بزرگ این انقلاب الهی است که جز آن هیچ قدرت دیگری از پی این همه جریانهای آلوده بر نمی آمد.

بسیار مایل بودم در این زمینه خیلی بیش از این، حوادث گذشته را بار دیگر بخاطر خواننده بیاورم مخصوصا افشاکاری های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ولیکن مجال نیست و هنوز در باره آن حزب روسی سخن باقی است ولیکن بخواندن کتابها و جزوه های افشاکاری که تا کنون نزدیک به سی شماره منتشر شده است توصیه می کنم.

و اما کشف و افشا و حذف جریان حزب توده از جهات مختلفی حائز اهمیت است: اول اینکه نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی در اینجا با یک حزب سیاسی درگیر نبودند بلکه با اعضای یک سازمان اطلاعاتی و جاسوسی نیرومند که با "سیا" و "موساد" مصاف میدهد درگیر شده بودند که پیروزی نیروهای جمهوری اسلامی را در این درگیری فقط همان سازمانهای مزبور می توانند دقیقاً

ارزیابی کنند و از این ارزیابی در بهت و حیرت فرو روند که مگر ممکن است در مدتی بکوتاهی چهار سال، نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران چنان کار آزموده شوند که جاسوسان "کا.گ.ب" را با سابقه چندین ساله و در پوشش چهل ساله بسک حزب کشف و تعقیب و دستگیر کنند، و لذا برای کم جلوه دادن یا بد جلو دادن قدرت این نیروها ادعا کرده اند که نیرو - های اطلاعاتی ایران بکمک سازمانهای اطلاعاتی غرب موفق به چنین کاری شده اند!

دوم - اینکه برخورد نیروهای ایران در داخل زندانها با اعضای کار کشته حزب جاسوسان شوروی بقدری هشیارانه و دقیق بوده است که در مدتی کوتاه، همه را وادار می کند تا برای سبک شدن وجدانشان از ننگ چندده ساله و یا برای منصف نشان دادن خود در برابر سخن حق و یا بهر حال در اثر بریدن از کاری که می کرده اند و راهی که می رفتند در صفحه تلویزیون ظاهر شوند و با مهارت تمام به تشریح و کالبد شکافی لاشه یک حزب جاسوسی بنشینند و آنهم کسانی که رنج نزدیک به سی سال زندگی در زندان را تحمل کرده اند و اما در برابر شاه حاضر به اعتراف به گناه خود نشدند - که البته در برابر شاه نمی باید حاضر به اعتراف می شدند زیرا اگر حزب توده خائن است، دلیلی وجود ندارد که در برابر خائن دیگری مانند شاه بخیانست خود اعتراف کند - و اما در برابر انقلاب و اسلام و امام و پاسدار و همه نیروهای صادق و خدمتگذار در جمهوری اسلامی نمی توانند لب فرو بندند و سکوت کنند و یا با وجدانی آرام، توان مقاومت داشته باشند، نه، حقانیت اسلام و انقلاب و نیروهای خط امام آنها را به اعتراف مجبور می سازد.

سوم - اینکه علیرغم شعار بر حق انقلاب که همه امت فریاد می زدند و فریاد می زدند که:

نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی
غربیها و بخصوص آمریکا برای کم کردن

امام قوی و قدرتمند در یک جمله کوتاه «آمریکا

هیچ غلطی نمی تواند بکند» ماهیت بی هویت این طبل

تو خالی را افشا کردند و دنیا دید که آمریکا غلطکار با

توافق رفیق لنین زاده با تحریک صدام، حمله به

ایران را آغاز نمودند که نتیجه اش تجلی ارزشهای

متعالی ملت رشید ایران و سلحشوران اسلام شد

جاذبه انقلاب در بین مسلمانان و مستضعفان تبلیغ می کنند که جمهوری اسلامی ایران بطرف شرق و شوروی گرایش دارد! یعنی از هویت اسلامی خالص برخوردار نیست و اصولاً هیچ منتهی علیه آمریکا نمی تواند قیام کند مگر با تکیه بر شوروی!! و تبلیغ می کنند که اگر روزی انقلاب اسلامی ایران بخواهد در برابر شوروی بایستد باید به آمریکا و غرب تکیه کند و حتی این واقعیت را نمی خواهند بدانند و نمیخواهند که مردم دنیا بدانند که ایران اسلامی در اوج درگیری با آمریکا اولین کشوری بود که علیه تجاوز نظامی شوروی به افغانستان موضع گرفت و محکوم کرد و همین موضع قاطع ایران است که اجازه نمی دهد در افغانستان معاملهای نامشروع صورت بگیرد و نیز ایران در همان زمان که در محاصره اقتصادی از جانب آمریکا و غرب بود، جریان گاز خود را به روی شوروی بخاطر باج خواهی او بست و حاضر نشد بخاطر هرگونه ملاحظهای گاز را بتمن بخش به شوروی بدهد. اینها و دهها نمونه دیگر از مواضع قاطع ایران را که همگی حکایت از سیاست نه شرقی، نه غربی می کرد، ندیده می گیرند و باز هم تبلیغ می کنند که ایران گرایش به شوروی دارد! مگر نمی بینند که حزب توده آزاد است. درست در اوج این جنجالها بود که ناگهان مردم دنیا دیدند که تمامی خیرگزاریهای جهان مخابره کردند که سران حزب توده ایران بازداشت شدند و آنهم نه یک حزب ساده سیاسی بلکه شبکه جاسوسی شوروی در ایران، یعنی انقلابی که زیر باران گلوله ها و موشکها، دشمن آمریکا را تعقیب می کند و در همین جنگ شوروی نیز غیر مستقیم جنگ و دندان نشان می دهد، ناگهان سران حزب جاسوسان شوروی یعنی کشوری که بیش از هزار کیلومتر با ما مرز مشترک دارد و بسیاری در آن طرف دنیا از او که در اینطرف دنیا است می ترسند، دستگیر می شوند یعنی: در نظر ما جاسوس خائن است، خواه آمریکا و روسی و خواه دیپلمات

جاسوسی کردن ممنوع است، خواه در لانه جاسوسی آمریکا و خواه در ساختمان موسوم به سفارت شوروی، و در جمهوری اسلامی هر جریان سیاسی وابسته و یا متمایل به بیگانه ممنوع است خواه وابسته به آمریکا باشد و یا وابسته به شوروی.

چهارم - تحلیل جمهوری اسلامی از گروهها و دستجاتی که هماهنگ با فرهنگ مردم و اعتقادات آنان نیستند و در میان آنان قصد تشکل و حرکت سیاسی دارند، اینست که سرانجامشان جز وابستگی به بیگانگان و در خدمت آنان قرار گرفتن و خیانت به مردم کردن چیز دیگری نیست و درباره همه گروههای افشا و حذف شده این اعتقاد را داشته و دارد هر چند که سندی روشن و رسمی بر این واقعیت قطعی نتواند بدست بیاورد و ارائه دهد و اما در باره حزب توده این واقعیت با هشجاری و کار - دانی مسئولان مربوطه از زبان خود آنان افشا گردید. البته من قبول دارم که: توده ای ها قبل از آنکه یک حزب سیاسی باشند یک شبکه جاسوسی بوده اند و شاید هرگز یک حزب سیاسی نبودند اما سرانجام آن دسته از احزاب سیاسی هستند که از مردم و جامعه خود بریده باشند چیزی جز جاسوس شدن برای بیگانه نیست.

پنجم - با کشف و افشای جریان حزب توده و توطئه های آن علیه انقلاب اسلامی ایران بدستور شوروی، معلوم شد که شوروی در توطئه علیه اسلام و انقلاب نه تنها قوی نیست که بسیار هم ضعیف است، زیرا همانطور که می بینید آنچنان در داخل ایران بدون پایگاه است که وقتی تصمیم می گیرد به یک انقلاب و آن هم اسلامی و با آن همه حمایت مردمی و پشتیبانی فکری و اعتقادی، با تاریخی هزار و چهار صد ساله، خیانت کند، به گروهی تکیه می کند و از نیروی انتظار عمل دارد که اولاً بخاطر الحاد و کفر آشکارش هیچگونه پایگاه مردمی و توده ای ندارد و ثانیاً بدلیل خیانتهای مکرر و مستمر در طول چهل سال از هر گونه مطلوبیت و

جاذبه سیاسی می بهره است. شوروی آنقدر در داخل کشورهای اسلامی عموماً و در ایران خصوصاً ناتوان است که حتی سازمانهای سیاسی مارکسیستی خالص را از دست می دهد و آمریکا آنها را در خدمت خود می گیرد لذا ما اجرای حزب توده نشان می دهد که: ملتها در همانحال که نباید از شوروی و دیسه های آن غافل باشند ولیکن در همان حال باید بدانند که دشمن اصلی و شیطان بزرگ آمریکا است و با تمام هشجاری باید مراقبت کنند که هر جریانی را بمحض اینکه در خط آمریکا و در خدمت آمریکا قرار گرفت کشف و سپس خنثی و حذف کنند.

ششم - با کشف و افشا و دستگیری سران حزب توده و اکثر اعضا، رده های یک و دو برای چندمین بار مردم دنیا مشاهده کردند که جمهوری اسلامی از چنان صلابت و استحکامی برخوردار است که همزمان با اداره جنگ در طول هزار کیلومتر و تحمل تمامی مشکلات ناشی از آن در داخل کشور نیز هر حرکت مخالفی را زیر نظر دارد و هر توطئه ای را در نطفه خفه می کند و چنین نظامی نه تنها در برابر دیسه های ضد - انقلاب اعم از داخلی و خارجی ناتوان نیست که هر توطئه ای را چنان درهم می شکند که از درگیر شدن با آن قدمی جلوتر در جهت استواری بر می دارد و تجربه ای غنی می آید و روزی که نه تنها برای خود که برای همه انقلابهای ضد استکباری بسیار گرانها است.

۱ - حزب سوسیالیست آمریکائی فرانسه هنوز بر مرکب حکمرانی سوار نشده با موضع - گیریهایش در برابر انقلاب اسلامی ایران و با حمایت عجولانه از صدام می رود تا سرنوشت تلخی برای خود و برای فرانسه بار آورد و نیز اکثر کشورهای اروپائی در رابطه با انقلاب اسلامی ایران تاگزیر از موضعگیریهایش شدند که نشان دادند در برابر آمریکا ناتوان و بی اراده اند.